



عنوان	اقتصاد مقاومتی از کدام راه؟
سخنران	دکتر عبدالحمید شمس
اعضای پنل	دکتر فرج‌اله رهنورد، دکتر مهدی فدایی
	تاریخ برگزاری: ۱۳۹۸/۰۲/۲۹

واژه و یا اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. ایشان «اقتصاد مقاومتی» را معنی و مفهومی از کارآفرینی معرفی کردند و نیاز اساسی کشور به آن را نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» معرفی نمودند. تأکید بر نیاز به کارآفرینی از یک سو، گرایش به ادغام در تجارت جهانی از سوی دیگر و گرایش برخی از مسئولان نظام به اقتصاد بازار و ورود نیمه رسمی ایران به نظام سرمایه داری، برخی از محافل طرفدار اقتصاد بازار را متقاعد نمودند که اقتصاد مقاومتی، همان پیاده کردن سیاست‌های تعدیل است!

اما تأکید بر رویکرد جهادی و آمریکا ستیزی و تلاش برای ایجاد «رشد در شرایط فشار» بیرونی و مقابله با تحریم‌های غرب، به‌ویژه آمریکا نیز این ابهام را به‌وجود آورد که اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد دفاعی - جنگی!!

مسئله حادی که در سال‌های اخیر با آن روبرو هستیم، تحریم اقتصادی آمریکا می‌باشد. یکی دیگر از مسائل کشور، تناقضات موجود در سیاست‌های اقتصادی، پولی، ارزی، مالی، اشتغال و تولید می‌باشد. بنابراین مهم‌ترین مسائلی که ایران درگیر آنهاست که اقتصادی نیست ولی روی اقتصاد تأثیر می‌گذارد، مربوط به ساختار قدرت و وجود تنش در روابط ایران با دیگر کشورها می‌باشد.

مهمترین رسالت اقتصاد مقاومتی از دیدگاه نظام: تداوم رشد در شرایط فشار بیرونی است: یعنی برپایی اقتصادی که بتواند در شرایط فشار، تحریم و دشمنی، رشد و شکوفایی ایجاد کند.

سه برداشت از اقتصاد مقاومتی وجود دارد که عبارتند از: ۱- مدیریت جهادی، ۲- نئوکلاسیکی، ۳- برداشت تلفیقی.

برخی اقتصاد مقاومتی را مترادف با «اقتصاد دفاعی» دانسته‌اند که تلاش برای خودکفایی مطلق، بسیج نیروهای مولد برای مقابله با دشمن، کنترل بازار پولی و جلوگیری از رشد تورم، بستن بازار اوراق بهادار برای پرهیز از فلج شدن کامل اقتصاد، جیره‌بندی کالاهای اساسی و تکمیل تمام اُتر زنجیره‌های تولیدی و خدماتی با هدف بی‌نیازی به خارج را در دستور کار قرار می‌دهد. به‌طور کلی بی‌نیازی از دیگر کشورها و بستن درها به روی خود، از ویژگی‌های اقتصاد دفاعی این جریان انقلابی بشمار می‌آید که بسیار غیرممکن به نظر می‌رسد.

اقتصاد مقاومتی با برداشت جهادی را می‌توان در چند بخش خلاصه نمود: تأکید بر استقلال صنعتی و کشاورزی، بی‌نیازی از دنیا و بستن درها به روی خود، تأکید بر درون‌زا بودن اقتصاد، تکمیل تمامی زنجیره‌های تأمین صنعتی، مخالفت با اقتصاد ریاضتی، واگذاری صنایع و خدمات به بخش خصوصی و شبه خصوصی.



اقتصاد مقاومتی با برداشت نئوکلاسیک تلاش می‌کند تا ضمن تأکید بر توسعه مبتنی بر سیاست‌های تعدیل اقتصادی- اجتماعی، جهانی شدن، کوچک‌سازی دولت، نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که برای اقتصادهای پیشرفته و کشورهای صنعتی نوشته شده است را در ایران پیاده کند. این گروه به برنامه‌ریزی‌های بلند مدت و استراتژیک دولتی گرایش چندانی ندارند و اصولاً هر نوع برنامه‌ریزی بلند و میان‌مدت دولتی را، سوسیالیستی می‌دانند. غفلت‌های برداشت نئوکلاسیک: در کشور ما فن‌سالاران نئوکلاسیک بدون در نظر گرفتن گروه‌های مافیایی دولتی تصور می‌کنند که مثلاً اگر بازار ارز، سکه و اتموبیل را آزاد بگذارند، قیمت‌ها بالا می‌رود و به نقطه سر به سر می‌رسد اما تصویری نادرست است و نتایج نامطلوبی دارد.

قدرت‌های طرفدار سیاست‌های تعدیل که امروزه رویکرد جهانی شدن نیز به آن اضافه شده است می‌گویند شما آنچه که دارید را صادر کنید و بعد مرزهایتان را هم باز بگذارید و هر چه خواستید از ما وارد کنید. این یعنی ادغام در بازار جهانی به گونه‌ای که هیچ‌گونه اختیاری هم نداشته باشید.

برداشت تلفیقی از اقتصاد مقاومتی: گرایش به کاهش وابستگی، درون‌زا نمودن صنایع و خروج از اقتصاد تک محصولی، هدایت فعالیت‌های دولت به عرصه‌هایی که برای کشور استراتژیک هستند اما برای بخش خصوصی جذابیت ندارد، فعال شدن بیشتر نقش بخش خصوصی و شرکت در اقتصاد جهانی. بنابراین می‌توان گفت که اقتصاد مقاومتی با ویژگی‌هایی که از آن گفته شده، یک پا در اردوی چپ و یک پا در اردوی راست دارد.

غیر از الگوی چین، که با اتخاذ دو سیاست تنش‌زدایی در عرصه بین‌الملل و باز نمودن محدود اقتصاد بازار، انقلابی در اقتصاد خود ایجاد کرد، الگوی آمریکای قرن هجدهم و نوزدهم از نظر برخی از اقتصاددانان الگوی خوبی برای خروج ایران از رکود و فروپاشی اقتصادی- اجتماعی می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت: الگو برداری از آمریکا برای مقابله با آمریکا.

جالب است بدانیم که آمریکا، به مثابه پیشگام لیبرالیزم اقتصادی در جهان، تنها بعد از جنگ جهانی دوم و قدرت یافتن صنایع در آن کشور بود که راهبرد برون‌گرایی و جهانی‌سازی صنایع خود را در دستور کار قرار داد. آمریکا سه تجربه دارد که در مقاوم‌سازی و رشد اقتصادی این کشور تأثیرگذار بوده است: ۱- حمایت برای ارتقاء تولید و صنایع داخلی، ۲- کاهش وابستگی‌ها، ۳- تشویق ابداعات، اختراعات فن‌آوری و دانش.

مهم‌ترین راهبردهای رشد عبارت است از: وضع تعرفه بر واردات و در برخی موارد ممنوعیت آن‌ها با هدف حمایت از صنایع نوپا، اعطای یارانه‌های تولیدی، ممنوعیت صادرات مواد خام و جوایز صادراتی و توسعه زیربنای لازم، تشویق نوآوری‌ها و اکتشافات جدید در درون کشور و یا کپی برداری از آنچه در کشورهای دیگر تولید می‌شود.

اما مسیری که تاکنون تحت عنوان اقتصاد مقاومتی در ایران دنبال شده است هیچ‌کدام از بایسته‌ها را رعایت نکرده و در حد شعار باقی مانده است. بنابراین با دنبال نمودن روش‌های متعارف نمی‌توان انتظار دستاورد مهمی را داشت.

ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد نیازمند سه چیز است: ۱- ایجاد تحرک در تولید ملی، ۲- ایجاد تحرک در اشتغال، ۳- کاهش تورم.

یکی از مهمترین ارکان توسعه اقتصادی منابع ارزی می‌باشد. در میان کشورهای در حال توسعه شاید بتوان گفت که ایران کمترین ذخایر ارزی در جهان را دارد.



راهکارهای پیشنهادی:

- (۱) تنش زدایی با دنیا و خارج کردن ایران از بحران‌های خارجی
- (۲) حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط برای ایجاد اشتغال
- (۳) سرمایه‌گذاری دولتی در برخی زنجیره‌های مرتبط با نفت
- (۵) توسعه زنجیره توریسم،
- (۶) ترفیع برندها و کیفیت محصولات ایرانی
- (۷) تقویت بنگاه‌های خصوصی با استفاده از ابزارهای مالیاتی (کاهش) و یارانه‌های تولید
- (۸) ایجاد صنایع قهرمان و پیشرو در برخی از زنجیره‌ها
- (۹) تقویت قابلیت رقابتی بنگاه‌ها از طریق تشویق به انتقال تکنولوژی؛ ابداع، اختراع و تجاری‌سازی آن‌ها
- (۱۰) سرمایه‌گذاری در زمینه‌های تحقیق و توسعه علوم دقیقه و انسانی و پشتیبانی فعال از مخترعان
- (۱۱) اصلاح قانون مربوط به «حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی»
- (۱۲) تقویت بخش‌هایی از کشاورزی و دامپروری که از نظر اقتصادی و اکولوژیک پایدار و مقرون به صرفه باشد
- (۱۳) حرکت به سوی ماهیگیری پایدار (با مجهز کردن پرورش و صید ماهیگیری به فناوری‌های نوین)